



خوشی و خوبی رها ساختن، یعنی: طلاق سوم و به جهت ورود شخص در امری که خدای او را زشت و ناستوده شمرده، که عبارت از طلاق سوم است و رجوع را بر آن حرام فرمود، تا زن به نکاح دیگری درآید و مردم طلاق را سبک نشمرند و به زنان آزار زیان نرسانند. بنابراین این زن مطلقه چون اولین قطره خون را در حیض سوم [یعنی: پس از گذشت سه طهر] مشاهده کرد، از شوهرش جدا شده و برای او حلال نیست، تا این که با دیگری ازدواج کند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بَوْلِهَا وَلَا جُنَاحُ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (۲۳۳).

و مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند، هرآن کس که خواهد شیردادن را به پایان رساند. و برعهده صاحب فرزند است [پدر] خوراک و پوشاک آنان، به گونه ای نیکو و متعارف. هیچ کس جز درخور توانش موظف نیست. مادر را به خاطر کودکش زیان نباید و پدر را به جهت فرزندش نیز. بر وارث است به همان گونه. و اگر پدر و مادر به رضایت و مشورت هم جدائی طفل را از شیر خواستار شدند، پس برایشان باکی نیست. و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست. چنانچه تسلیم کنید [بدایه] آنچه را که می دادید [به مادر] به روشی نیکو و پسند. و خدای را پرهیزید و بدانید که تحقیقاً خدا به آنچه می کنید بینا است.

۱. ابن بابویه فی الفقیه: یاسناده عن علی بن الحسن بن فضال، عن أبیه، قال: «سألت الرضا علیه السلام عن العلة التي من أجلها لا تحل المطلقة للعدة لزوجها حتى تنكح زوجا غيره. فقال: إن الله عز وجل إنما أذن في الطلاق مرتين، فقال عز وجل: ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فِيمَا كُنْتُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَكُنْتُمْ عَادِلِينَ﴾ يعني في التولية الثالثة، ولدخوله فيما كره الله عز وجل له من الطلاق الثالث حرما عليه، فلا تحل له حتى تنكح زوجا غيره، لئلا يوقع الناس في الاستخفاف بالطلاق، ولا تضار النساء، فالمطلقة للعدة إذا رأت أول قطرة من الدم الثالث بانث به من زوجها، ولم تحل له حتى تنكح زوجا غيره. تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۷۶ ح ۳/۱۲۱۱؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۴۷۶۴.



## لغت

«ارضاع»: شیر دادن و شیرخوراندن به کودک .

«رضاعه»: شیر خوردن .

«استرضاع»: دایه گرفتن .

«فصال»: جدا نمودن و باز گرفتن کودک از شیر مادر .

### [اشاره به شیر دهی کودک]

پس از بیان حکمی چند درباره طلاق، به مناسبت مقام درباره تغذیه کودک فرمود:  
﴿والوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین﴾ (۲۳۳).

و مادران فرزندان خود را شیر دهند دو سال تمام. دستوری است عام، نسبت به زنان مطلقه یا شوهردار. عبارت گرچه ظاهراً به صورت خبر است لیکن مراد را انشاء گفته اند، تا متضمن تأکید بیشتری باشد؛ زیرا استحکام زیر بنای جسمی و روحی طفل وابسته به دوران شیر خوارگی و پرورش در دامن پر مهر مادر است. و برابر نظر دانشمندان و پژوهشگران مربوطه هیچ نوع غذایی برای نوزاد، نیکو و سودمندتر از شیر مادر نیست و با کوشش های زیادی که تاکنون در مورد ساختن شیر خشک و مواد غذایی دیگر به جانشینی شیر مادر به عمل آمده، نتیجه مطلوب و کامل حاصل نگردیده است. از طرفی شیر دادن طفل را به دو سال تمام اجباری نفرمود و از اختیارات مادر قرار داد؛ که:

﴿لمن اراد أن یتّم الرّضاعة﴾

برای مادری که بخواهد شیر دادن را به کمال رساند. یعنی: در اختیار مادر است که کودک را دو سال تمام یا کمتر شیر دهد. و نیز هزینه پرستاری و تغذیه کودک را به دوش پدر نهاده فرمود:

﴿وعلى المولود له رزقهنّ وکسوتهنّ بالمعروف﴾

خوراک و پوشاک فرزندان به روشی متناسب و نیکو بر عهده آن کس است که زاده



## لغت

«ارضاع»: شیر دادن و شیرخوراندن به کودک .

«رضاعه»: شیر خوردن .

«استرضاع»: دایه گرفتن .

«فصال»: جدا نمودن و باز گرفتن کودک از شیر مادر .

### [اشاره به شیر دهی کودک]

پس از بیان حکمی چند درباره طلاق، به مناسبت مقام درباره تغذیه کودک فرمود:  
﴿والوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین﴾ (۲۳۳).

و مادران فرزندان خود را شیر دهند دو سال تمام. دستوری است عام، نسبت به زنان مطلقه یا شوهردار. عبارت گرچه ظاهراً به صورت خبر است لیکن مراد را انشاء گفته اند، تا متضمن تأکید بیشتری باشد؛ زیرا استحکام زیر بنای جسمی و روحی طفل وابسته به دوران شیر خوارگی و پرورش در دامن پر مهر مادر است. و برابر نظر دانشمندان و پژوهشگران مربوطه هیچ نوع غذائی برای نوزاد، نیکو و سودمندتر از شیر مادر نیست و با کوشش های زیادی که تاکنون در مورد ساختن شیر خشک و مواد غذائی دیگر به جانشینی شیر مادر به عمل آمده، نتیجه مطلوب و کامل حاصل نگردیده است. از طرفی شیر دادن طفل را به دو سال تمام اجباری نفرمود و از اختیارات مادر قرار داد؛ که:

### ﴿لن اراد ان يتم الرضاعة﴾

برای مادری که بخواهد شیر دادن را به کمال رساند. یعنی: در اختیار مادر است که کودک را دو سال تمام یا کمتر شیر دهد. و نیز هزینه پرستاری و تغذیه کودک را به دوش پدر نهاده فرمود:

### ﴿وعلى المولود له رزقهنّ وكسوتهنّ بالمعروف﴾

خوراک و پوشاک فرزندان به روشی متناسب و نیکو بر عهده آن کس است که زاده

از آن او است؛ من جمله، هزینه شیر خوردن طفل به وسیله مادر. ضمناً اتیان و وظایف پدر و مادر را در مورد کودک و پرداخت هزینه نگهداری و تغذیه طفل را از جانب پدر، برحسب توان و گشایش حال مقرر فرموده بیان داشت که:

### ﴿ لا تكلف نفس إلا وسعها ﴾

هیچ کس جز به اندازه گشایش و توانش تکلیف نمی شود.  
یعنی: هر دستوری که از جانب خداوند سمت صدور می یابد، درخور گشایش و توان عادی و عرفی مردم است نه روی زحمت و فشار و مشکل و محال.



### [فرزند را وسیله آزار دیگری قرار ندهند]

سپس یادآوری فرمود که پدر و مادر هیچ کدام به خاطر وجود فرزند و علقه و عاطفه ای که نوعاً نسبت به جگر گوشه خود دارند، نباید آن را وسیله آزار و زیان به یکدیگر قرار دهند؛ به این بیان که:

### ﴿ لا تضارّ والده بولدها ولا مولود له بولده ﴾

نباید زیان زنده مادر به سبب طفل خود [به پدر] و نه پدر به خاطر فرزند خویش [به مادر]. این معنا در صورتی است که فعل به صیغه معلوم باشد.

و به صیغه مجهول یعنی: (مادر را زیانی نباید به سبب فرزندش [از جانب پدر] و نه پدر را به خاطر کودکش [از جانب مادر]. که در واقع هر دو معنا يك هدف و غرض را رسا است. و زیان به هر نوعی که تقدیر شود، مانند اجحاف و ستم در تعیین و درخواست هزینه زندگی و تغذیه کودک از جانب طرفین، یا مخالفت و امتناع در آمیزش جنسی، به بهانه شیر دادن طفل و بیم آبستنی. و اگر پدر با لبیک ندای حق چشم از این جهان بر بست، در این صورت:

### ﴿ وعلی الوارث مثل ذلك ﴾

و بر عهده وارث است همانند آن تکلیف.

یعنی: رسیدگی به امور کودک و پرداخت هزینه های مربوط، از لحاظ خوراک و پوشاک و دیگر جهات حیاتی و تربیتی طفل من جمله تغذیه شیر مادر، برعهده میراث



بر است که عبارت از ورثه کبار و قیّم کودک باشد، تا با استفاده از اموال صغیر هزینه آن را تأمین کنند.

سپس نسبت به جواز انقطاع شیر قبل از پایان دو سال فرمود که:

﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾

و اگر پدر و مادر یا وارث و مادر به رضایت و مشورت هم خواستند بریدن و جدائی طفل را از شیر، پس باکی بر آن دو نیست.

### [قطع شیردهی با شرایط]

یعنی: چنانچه روی مقتضیات موجوده مثلاً سلامت مزاج و وجود استعداد و آمادگی طفل برای گرفتن از شیر، یا احساس ضعف و نقص در بنیه مادر، یا احتمال به روز خطر درباره هر یک به ویژه آلودگی طفل به برخی از بیماریها، نظیر خوردن شیر از پستان مادر مسلول و بالاخره به هر جهتی از جهات همین قدر که طرفین را در قطع شیر قبل از اتمام دو سال رضایت و توافق حاصل باشد، می توانند کودک را از شیر مادر ببرند.

### [استخدام دایه]

و سپس راهنمایی نموده فرمود:

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ﴾

و اگر بخواهید برای فرزندانان دایه بگیرید، پس بر شما باکی نیست. زیرا چه بسا به عللی توافق و رضایت در قطع شیر کودک از مادر میان زن و شوهر حاصل است. یا مادر جگر گوشه خود را با حادثه مرگ و داع نموده، یا طفل پدر و مادر هر دو را از دست داده، در حالی که هنوز او را به شیر خوردن از پستان مادر نیاز است. در این صورت خدای مهربان به ابوبن یا کسان دیگر کودک، گرفتن دایه را رهنمون شده و

مشروط ساخت بر این که: ﴿إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ﴾

آن گاه که تسلیم کنید آنچه را که می دادید به طریق متعارف و نیکو.

یعنی: همان مبلغ و وظیفه ای را که نسبت به مادر از نظر تأمین امور حیاتی طفل

عهده دار بودید، باید به دایه نیز به روشی نیکو و مورد پسند عموم پرداخت کنید. و یا مقرری و حقوقی که فیما بین تعیین کرده اید، به شایستگی پردازید.

### ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ﴾

و خدای را بپرهیزید. یعنی: نسبت به وظایف خود کوتاهی نکنید و سرپیچی از فرمان خداوند نکرده مقررات الهی را رعایت کنید.

### ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

و بدانید که تحقیقاً خدا به آنچه می کنید بینا است.

یادآوری و تذکری است تا بندگان مراقب کردار و رفتار خود باشند و بدانند که هیچ امری در پیشگاه خداوند مکتوم و پوشیده نیست و او را به همه چیز آگهی است، من جمله، اتیان اوامر و مخالفت بندگان در این آیات مشهود است و اعلام این حقیقت خود تحریصی است تا اشخاص نیکوتر در مقام اطاعت برآیند. برخی از احایث وارده در این آیه:

۱. در تفسیر عیاشی، ذیل آیه مورد بحث آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

مادامی که فرزند به حال شیر خوارکی است پدر و مادر نسبت به امر او برابر و یکسانند و چون او را از شیر بگیرند پدر شایسته تر است تا مادر و اگر پدر را مرگ فرارسد، مادر به او سزاوارتر است تا دیگران. و چنانچه پدر کسی [دایه ای] را پیدا کند که او را [مثلاً] به چهار درهم شیر دهد و مادر بگوید: که جز با پنج درهم شیر ندهم، پدر می تواند کودک را از مادر بگیرد، لیکن گذاردن او نزد مادرش برای طفل مقدم و نیکوتر و به صلاح نزدیکتر است تا باز داشتن طفل از مادر.<sup>۱</sup>

۲. در تفسیر نور الثقلین به نقل از عیون الاخبار روایتی است مستند به رسول

اکرم صلی الله علیه و آله از امام هشتم علیه السلام که فرمود: برای کودک نیست شیری نیکوتر از شیر مادر.<sup>۲</sup>

۱. عن داود بن الحصین، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ﴾. قال: ما دام الولد في الرضاع فهو بين الأبوين بالسوية، فإذا فطم فالوالد أحق به من الام، فإذا مات الأب فالام أحق به من العصبية. وإن وجد الأب من يرضعه بأربعة دراهم، وقالت الأم: لا أرضعه إلا بخمسة دراهم. فإن له أن ينزعه منها، إلا أن ذلك أجبر له و أقدم و أرفق به أن يترك مع أمه». تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۳۸۰.  
۲. وبهذا الاسناد قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله ليس للصبي لبن خیر من لبن أمه». عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۴، ح ۶۹؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۹۱.



۳. در تفسیر برهان، از حماد بن عثمان است که گفت:

از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: کودک را پس از فطام دیگر خوردن شیر مادر نشاید؛ گفتم فدایت شوم فطام چیست؟ فرمود: دوره شیر خوارگی او است در دو سال و سپس بریدن او از شیر که خدای عزوجل مقرر فرموده.<sup>۱</sup>

۴. در همان تفسیر، از امام صادق و امام باقر علیهما السلام نقل است که فرمود:

مادر نباید زیان بیند، به این نحو که شوهر از ترس باروری آمیزش جنسی را به خاطر فرزند شیرخوارش با او ترک کند. و نه پدر به جهت فرزند خود، یعنی: زوجه نباید نفس خویش را از شوهر به خاطر بیم آبستنی باز بدارد و در نتیجه پدر زیان کند.<sup>۲</sup>

که ظاهراً بیان مصداقی از زیان را فرموده اند.

۵. از ابی الصباح الكنانی از امام صادق عليه السلام است که فرمود:

هنگامی که مرد زن را به حال آبستنی طلاق دهد تا انجام زایمان، پرداخت نفقه بر عهده او است و چون وضع حمل نمود، باید مزد او را بدهد که زیانی به زن نرسد، جز این که دایه ای مناسب تر از او یافت شود؛ و اگر مادر به همان مبلغ رضایت داد تا پایان دو سال او شایسته تر است به فرزند خویش.<sup>۳</sup>

۶. در تفسیر علی ابراهیم قمی، ذیل: ﴿وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ﴾ دارد:

زنی که شوهرش فوت نموده و او را فرزندى شیر خوار است نباید مورد زیان

۱. محمد بن یعقوب: عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن محمد بن أبي نصر، عن حماد بن عثمان، قال: «سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: لا رضاع بعد فطام. قال: قلت: جعلت فداك، وما الفطام؟ قال: الحولان اللذان قال الله عزوجل». تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۸۳، ح ۱۲۴۷-۳؛ الكافي، ج ۵، ص ۴۴۳، ح ۳.

۲. عن الحلبي، «قال أبو عبد الله عليه السلام: ﴿لَا تَضَارُّ وَالِدَةَ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بَوْلِهِ﴾. قال: كانت المرأة ممن ترفع يدها إلى الرجل، إذا أراد مجامعتها، فتقول: لا أدعك، إني أخاف أن أحمل على ولدي و يقول الرجل للمرأة: لا أجامعك، إني أخاف أن تعلقني، فأقتل ولدي فنهى الله عن أن يضار الرجل المرأة والمرأة الرجل». تفسير البرهان، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۱۲۵۷-۱۱؛ تفسير العياشى، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۳۸۲.

۳. محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن إسماعيل، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إذا طلق الرجل المرأة وهي حبلية، أنفق عليها حتى تضع حملها. وإذا وضعته أعطاها أجرها. ولا يضارها إلا أن يجد من هو أرخص أجرا منها. فإن هي رضيت بذلك الأجر فهي أحق بابنها حتى تفضمه». الكافي، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۲؛ تفسير كنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۵۳-۳۵۴.

باشد؛ لذا از برای وارث جایز نیست که مادر کودک را در مورد نفقه زیان رساند و بر او تنگ گیرد. و نیز درباره: ﴿فإن أرادا فصلا عن تراض منهما وتشاور فلا جناح عليهما﴾ گوید: هنگامی است که مادر و وارث به رضایت خاطر و مصلحت برسند، پس وارث به زن گوید: این فرزند را بگیر و هر جا که خواهی برو.<sup>۱</sup>



\*\*\*

﴿والذين يتوفون منكم ويذرون أزواجا يتربصن بأنفسهن أربعة أشهر وعشرا فإذا بلغن أجلهن فلا جناح عليكم فيما فعلن في أنفسهن بالمعروف والله بما تعملون خبير﴾ (۲۳۴).  
و کسانی از شما که بدرود زندگی گویند و همسرانی را وامی نهند، باید [همسران] چهار ماه و ده روز با خویشان درنگ کنند. پس چون مدت عدّه شان سرآمد، بر شما باکی نیست در آنچه ایشان درباره خود به نیکی انجام دهند و خدا بدانچه می کنید آگاه است.

﴿ولا جناح عليكم فيما عرضتم به من خطبة النساء أو أكننتم في أنفسكم علم الله أنكم ستذكرونهن ولكن لا تواعدوهن سرا إلا أن تقولوا قولا معروفا ولا تعزموا عقدة النكاح حتى يبلغ الكتاب أجله واعلموا أن الله يعلم ما في أنفسكم فاحذروه واعلموا أن الله غفور حلیم﴾ (۲۳۵).

و بر شما گناهی نیست در آنچه سر بسته نسبت به خواستگاری زنان سخن گوئید و به آن گوشه دهید، یا در درون خویش پنهان دارید، خدا دانسته که شما به زودی به یاد ایشان می افتید ولیکن با ایشان قرار نهانی نگذارید، جز این که سخنی نیکو گوئید. و قصد نکنید عقد زناشوئی را تا نوشته مقرر پایان زمانش فرارسد و بدانید، که تحقیقاً آنچه را در دل دارید خدای داند، بنابراین از او بترسید و بدانید که همانا خداوند آمرزنده شکیبیا است.

۱. و قوله: ﴿و على الوارث مثل ذلك﴾ لا تضار المرأة التي لها ولد و قد توفى زوجها فلا يحل للوارث أن يضار أم الولد في النفقة فيضيق عليها و قوله: ﴿فإن أرادا فصلا عن تراض منهما وتشاور فلا جناح عليهما﴾ يعني: إذا اصطلحت الأم و الوارث فيقول خذي الولد و اذهبي به حيث شئت». تفسير القمي، ج ۱، ص ۷۷.